

خبرها

ارکستر سمفونیک تهران آغازگر فستیوال موسیقی شرق در اسانپروک آلمان

دوپچه‌وله : اگرچه هنرمندان و گروه‌های مختلفی از خاورمیانه در جشنواره موسیقی شرقی در شهر اسناپروک آلمان حضور دارند، اما آمدن ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نادر مشایخی به این جشنواره، بیشترین توجه را در محافل سیاسی فرهنگی آلمان به‌خودش جلب کرده، به‌ویژه آنکه این نخستین باری است که ارکستر سمفونیک تهران راهی آلمان شده است. بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و طبیعتاً بسیاری از نشریات آلمان گزارش‌های مختلفی در آستانه برگزاری این فستیوال پخش و منتشر کرده و از این جشنواره به عنوان پلی برای نزدیکی و تفاهم شرق و غرب سخن می‌گویند. آغازگر این فستیوال اجرای ارکستر سمفونیک تهران بود که با هشتاد نوازنده و موزیسین عازم آلمان شد و بااجرای آثاری از چایکوفسکی، بتھوون، حسن ریاحی، نادرمشایخی و همچنین قطعاتی از فرانت زیاپیکی از چهره‌های اسطوره‌ای موسیقی راک این جشنواره رایکشنیه گذشته (بیستم‌ماه اوت) افتتاح کرد. ارکستر سمفونیک تهران در این برنامه، قطعه «فیه‌مافیه» اثر نادر مشایخی را با آواز «سالار عقیلی» اجرا کرد و قسمتی از برنامه نیز به تکنوازی دف اختصاص داشت که توسط «حریر شریعت‌زاده» اجرا شد. فریده محمدعلی یکی از خوانندگان صاحب‌نام موسیقی سنتی عراق، گروه فلسطینی جبران، گروه جاز سیمپولجی، عبده داغر یکی از معروف‌ترین ویولن‌نوازان جهان عرب، فرهاد دریا خواننده محبوب افغانستان و ربیع ابوخلیل عونوزاز چیرهدست لبنانی از جمله هنرمندانی هستند که با حضور خود در این جشنواره، طیف‌های مختلف و سبک‌های گوناگون موسیقی مشرق‌زمین را به نمایش می‌گذارند. میثائل درایر مدیر این جشنواره که خود برای مذاکره و انجام تدارکات به ایران سفر کرده بود، در گفت‌وگویی با صدای آلمان درباره کم و کیف انتخاب هنرمندان و تنظیم برنامه این جشنواره می‌گوید: «من مایل بودم که طیف گسترده‌ای را عرضه کنم و نه فستیوال به‌اصلاح موسیقی جهانی برگزار کنم که در آن تنها به موسیقی سنتی کشورهای مختلف پرداخته می‌شود. هدف این بود که سبک‌های مختلف از سمفونی گرفته تا موسیقی سنتی و همچنین موسیقی راک و آوانگارد ارائه شوند. انتخاب هنرمندان از یک‌طرف از طریق توصیه‌دوستان صاحب‌نظری صورت گرفته که نمونه کارها را برای من فرستادند و از طرف دیگر هم من توانستم از ارتباطاتی که از طریق همکاری با

هنرمندان و موزیسین‌های مختلف به وجود آمده، بهره ببرم.» یکی دیگر از هنرمندان ایرانی دعوت شده به فستیوال موسیقی شرقی محسن نامجو است که کارهایش تلفیقی است از موسیقی سنتی و موسیقی راک و بلوز. البته برنامه قرار است که شنبه آینده برگزار شود، اما به گفته میثائل درایر مدیر این جشنواره آمدن نامجو به آلمان به‌دلیل مشکلات اداری هنوز قطعی نشده است، اما به گفته میثائل André El Haji از لبنان هم اگرچه قرار است در چارچوب فستیوال موسیقی شرقی به روی صحنه رود، اما با توجه به پیامدهای جنگ لبنان و مشکلات متعددی که طبیعتاً بعد از برقراری آتش‌بس وجود دارد، هنوز هم



صدرصد مشخص نیست که آیا این گروه موفق به اجرای برنامه‌خواهد شد یا نه. اما یکی از برنامه‌های قطعی، کنسرت گروه جوان و توانای فلسطینی جبران است که سه برادر به نام‌های سمیر، وسام و عدنان آن را تشکیل می‌دهند و هر سه نیز نوازنده عود هستند. این سه برادر که مدتی پیش اولین آلبوم گروه را منتشر کردند و تاکنون نیز در کشورهای مختلف روی صحنه رفته‌اند، تبحر خاصی در بداهه‌نوازی دارند. نماینده افغانستان در این جشنواره، فرهاد دریا است که هم ترانه‌های سنتی می‌خواند و هم ترانه‌های پاپ و شاید به همین خاطر نیز یکی از خوانندگان محبوب افغانستان محسوب می‌شود. از بین هنرمندان جهان عرب می‌توان به فریده محمدعلی یکی از خوانندگان صاحب‌نام موسیقی سنتی در عراق و همچنین به عبود داغر یکی از نوازندگان چیره‌دست ویولن در جهان عرب اشاره کرد که به خاطر تکنیک نوازندگی و تبحرش در تکنوازی ویولن به ملک‌التقاسیم شهرت دارد. و اما هنرمندانی که در این فستیوال نماینده موسیقی متفاوت و آوانگارد هستند. در این عرصه می‌توان به گروه سیمپولجی اشاره کرد که در سبک جاز کار می‌کند. خواننده این گروه سیمین سماواتی است که ایرانی‌تبار است، اما در آلمان به دنیا آمده و در این کشور بزرگ شده است. این گروه سال گذشته اولین آلبومش را منتشر کرده بود و قرار است که در اوایل سال آینده، دومین آلبوم خود را به انتشار برساند.

کنسرت گروه‌شهنازی در آلمان و ایتالیا

میراث خبر : گروه موسیقی شهنازی فصل پائیز را با اجرای کنسرت‌هایی در تهران و در کشور آلمان و ایتالیا آغاز می‌کند. داریوش پیرنیاکن سرپرست گروه موسیقی شهنازی گفت: «در حال حاضر گروه در حال تمرین قطعات تازه‌ای است که به‌زودی در کنسرت تهران و خارج از کشور اجرا می‌شود.» پیرنیاکن همچنین ادامه داد: «آلبوم جدیدی در دستگاه چهارگاه با گروه شهنازی و صدای حمیدرضا نوربخش ضبط شده است که مراحل میکس را پشت سر می‌گذارد. به‌زودی این آلبوم نیز منتشر می‌شود.» از این هنرمند کنایی نیز با عنوان «جلوه‌یار» به بازار می‌آید که شامل ده قطعه است. این کتاب به همراه یک سی دی از سوی موسسه فرهنگی هنری ماهور منتشر می‌شود. این کتاب از یک ماه پیش برای کسب مجوز به وزارت ارشاد فرستاده شده است و بر اساس قانون ارشاد باید تا سه ماه دیگر مجوز آن صادر شود. پیرنیاکن همچنین با اشاره به برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدرسان آموزشگاه‌های موسیقی، اعلام کرد این دوره‌ها از پائیز دوباره برگزار می‌شود.

از جنبه صرفاً نظری کدام منطق موسیقایی یا حتی صوتی می‌تواند همنشینی نود دقیقه‌ای یک عود و یک ویولنسل را توجیه کند؟ دو ساز بم با منطقه صوتی تقریباً یکسان که اگرچه اختلاف بارز صدای مضراب و آرشه به تفکیک مطالب یاری می‌رساند، اما با این حال کیفیت همپوشانی صداها می‌تواند مدام مورد مناقشه قرار گیرد. اما مسئله برانگیز تر از تداخل و همپوشانی صداها، گوش ما به صورت طبیعی صداهای زیر را سبک و چالاک و صداهای بم را سنگین و سخت ادراک می‌کند – و این موضوع البته به سرعت قطعه یا به چالاک‌ی نوازنده مرتبط نیست. قانون سبک‌تر از عود است، همان طور که ابوا سبک‌تر از ویولنسل.

کماکان از جنبه صرفاً نظری بر مشکلات همنوازی مسئله دار عود و ویولنسل بیفزایید موضوع همراهی یک لشکر پرکاشن را! یک، دو و در برخی قسمت‌ها حتی پنج نوازنده ساز ضربی که با قدرت تمام طیف گسترده‌ای از سازهای ضربی از کونگای آمریکای لاتین تا نوعی دمام بوشهری و از اسپرینگ درام استودیوهای موزیک فیلم تا دف خانقاهی را در مقابل تنها در ساز ملودیک به خدمت گرفته‌اند.

مطابق این محاسبات نظری فرضی همه چیز بر اجرای کنسرتی درهم و نامطبوع دلالت می‌کند. با این حال برای من که از مخاطبین شب دوم اجرای «فیه‌مافیه» بودم این کنسرت روزهای ۱۲ تا ۱۴ خرداد در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. برنامه سعید نایب محمدی، آیدین احمدی نژاد، همایون نصیری، حبیب مفتاح بوشهری، حامد امامیان، رحید روحانی و سعید صارمی در عمل کاملاً موجه و مطبوع بود و به گمانم در این احساس تنها نبودم: واکنش عمومی مخاطبین به این اجرا رضایت‌مندانه و تاییدآمیز بود یا تاییدی نه از جنس واکنش‌های معمول پایان کنسرت‌های تهران که معمولاً همه چیز با لاخ‌وختم به خیر می‌شود، رضایت از اینکه در این ایام کمبود اوقات دلپذیر، اهل «فیه‌مافیه» برایشان دو ساعت دلپذیر تدارک دیده‌اند. (این توفیق عملی به رغم آن عوامل بازدارنده نظری موضوع قابل تاملی است.) علل این موفقیت در چند لایه مختلف قابل بررسی و واکاوی است. از یک سو ویژگی‌های اجراکنندگان چه از نظر فردی و چه از نظر گروهی از سوی دیگر ویژگی‌های موسیقیی و نحوه ارتباط اجراکنندگان با آن؛ و باز از سوی دیگر ویژگی‌های مخاطبین؛ ده پیش‌زمینه‌های ذهنی شنوندگان تهرانی در نیمه دهه هشتاد که با نوعی نگاه موسیقی – جامعه‌شناسانه قابل ارزیابی است.

بدیهی است که اولین علت موفقیت «فیه‌مافیه» را باید در قدرت نوازندگی اجراکنندگان آن جست‌وجو کرد. حقیقت اول به زبان خودمانی آن است که احمدی نژاد، نایب محمدی، نصیری و بوشهری خوب ساز می‌زدند، که اگر جز این بود تمام مباحث بعدی، به رغم اهمیت موضوعی خود را از دست می‌داد. اجراکنندگان «فیه‌مافیه» بر ابزار کار خود تسلط داشتند.

و در عین حال با برخورداری از تجربه و شم اجرای زنده به خوبی می‌توانستند مهارت و چیرگی خود را در مقابل چشم شنوندگان نیز قرار دهند.

اما اگرچه تسلط فنی شرط لازم یک اجرای موفق

است، قطعاً شرط کافی نیست.

ای بسا شاهد کنسرت‌هایی بوده‌ایم که اجراکنندگانی خبره، حتی بسیار نام‌آورتر از جمع «فیه‌مافیه» نتوانسته‌اند به اجرای رضایت‌بخش دست یابند. از همین جا می‌توان به دومین عامل موفقیت «فیه‌مافیه» راه برد: یازده قطعه این برنامه افزون بر مهارت فردی، براساس تشریک مساعی اجراکنندگان پدید آمده بود. در بر وشور کنسرت دو قطعه «پس از آفتاب» و «هذیان» کار مشترک احمدی نژاد و نصیری عنوان شده اما علاوه بر این دو، روح همدلی و صمیمت اجرا تقریباً بر تمام قطعات برنامه (به جز مقدمه و ضربی نه‌اواند) حاکم بود. این تشریک مساعی موسیقایی را می‌شد شم در بافت قطعات جست‌وجو کرد هم در نحوه اجرا، و هم



مشکلات همنوازی مسئله دار عود و ویولنسل بیفزایید موضوع همراهی یک لشکر پرکاشن را! یک، دو و در برخی قسمت‌ها حتی پنج نوازنده ساز ضربی که با قدرت تمام طیف گسترده‌ای از سازهای ضربی از کونگای آمریکای لاتین تا نوعی دمام بوشهری و از اسپرینگ درام استودیوهای موزیک فیلم تا دف خانقاهی را در مقابل تنها در ساز ملودیک به خدمت گرفته‌اند.

مطابق این محاسبات نظری فرضی همه چیز بر اجرای کنسرتی درهم و نامطبوع دلالت می‌کند. با این حال برای من که از مخاطبین شب دوم اجرای «فیه‌مافیه» بودم این کنسرت روزهای ۱۲ تا ۱۴ خرداد در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. برنامه سعید نایب محمدی، آیدین احمدی نژاد، همایون نصیری، حبیب مفتاح بوشهری، حامد امامیان، رحید روحانی و سعید صارمی در عمل کاملاً موجه و مطبوع بود و به گمانم در این احساس تنها نبودم: واکنش عمومی مخاطبین به این اجرا رضایت‌مندانه و تاییدآمیز بود یا تاییدی نه از جنس واکنش‌های معمول پایان کنسرت‌های تهران که معمولاً همه چیز با لاخ‌وختم به خیر می‌شود، رضایت از اینکه در این ایام کمبود اوقات دلپذیر، اهل «فیه‌مافیه» برایشان دو ساعت دلپذیر تدارک دیده‌اند. (این توفیق عملی به رغم آن عوامل بازدارنده نظری موضوع قابل تاملی است.) علل این موفقیت در چند لایه مختلف قابل بررسی و واکاوی است. از یک سو ویژگی‌های اجراکنندگان چه از نظر فردی و چه از نظر گروهی از سوی دیگر ویژگی‌های موسیقیی و نحوه ارتباط اجراکنندگان با آن؛ و باز از سوی دیگر ویژگی‌های مخاطبین؛ ده پیش‌زمینه‌های ذهنی شنوندگان تهرانی در نیمه دهه هشتاد که با نوعی نگاه موسیقی – جامعه‌شناسانه قابل ارزیابی است.

بدیهی است که اولین علت موفقیت «فیه‌مافیه» را باید در قدرت نوازندگی اجراکنندگان آن جست‌وجو کرد. حقیقت اول به زبان خودمانی آن است که احمدی نژاد، نایب محمدی، نصیری و بوشهری خوب ساز می‌زدند، که اگر جز این بود تمام مباحث بعدی، به رغم اهمیت موضوعی خود را از دست می‌داد. اجراکنندگان «فیه‌مافیه» بر ابزار کار خود تسلط داشتند.

و در عین حال با برخورداری از تجربه و شم اجرای زنده به خوبی می‌توانستند مهارت و چیرگی خود را در مقابل چشم شنوندگان نیز قرار دهند.

اما اگرچه تسلط فنی شرط لازم یک اجرای موفق

است، قطعاً شرط کافی نیست.

ای بسا شاهد کنسرت‌هایی بوده‌ایم که اجراکنندگانی خبره، حتی بسیار نام‌آورتر از جمع «فیه‌مافیه» نتوانسته‌اند به اجرای رضایت‌بخش دست یابند. از همین جا می‌توان به دومین عامل موفقیت «فیه‌مافیه» راه برد: یازده قطعه این برنامه افزون بر مهارت فردی، براساس تشریک مساعی اجراکنندگان پدید آمده بود. در بر وشور کنسرت دو قطعه «پس از آفتاب» و «هذیان» کار مشترک احمدی نژاد و نصیری عنوان شده اما علاوه بر این دو، روح همدلی و صمیمت اجرا تقریباً بر تمام قطعات برنامه (به جز مقدمه و ضربی نه‌اواند) حاکم بود. این تشریک مساعی موسیقایی را می‌شد شم در بافت قطعات جست‌وجو کرد هم در نحوه اجرا، و هم

مشکلات همنوازی مسئله دار عود و ویولنسل بیفزایید موضوع همراهی یک لشکر پرکاشن را! یک، دو و در برخی قسمت‌ها حتی پنج نوازنده ساز ضربی که با قدرت تمام طیف گسترده‌ای از سازهای ضربی از کونگای آمریکای لاتین تا نوعی دمام بوشهری و از اسپرینگ درام استودیوهای موزیک فیلم تا دف خانقاهی را در مقابل تنها در ساز ملودیک به خدمت گرفته‌اند.

گواشی از برنامه های جشنواره ذکر و ذاکرین

ذکر در تهران

شانزدهمین جشنواره ذکر و ذاکرین در تهران در حال برگزاری است. جشنواره‌ای که در سال‌های مختلف جا و مکان ثابتی نداشت، چند سال در سنجندج برگزار شد و یک سال در اصفهان و یک سال در گرگان.

این جشنواره هم مثل دیگر برنامه هایی که وزارت فرهنگ و ارشاد برگزار می کند، با عجله تدارک دیده شد و گروه های همیشگی در آن شرکت کردند. گروه هایی که راه درازی را طی می کنند، از شهر خود به تهران می آیند و تنها ۱۵ دقیقه اجازه اجرای موسیقی دارند و فوری هم باید برگردند. نه ارتباطی بین هنرمندان شهرستانی و تهرانی به وجود می آید، نه مجالی برای گفت‌وگو با مخاطب، نه ارائه کامل و درخور هنری که در شهرهای مختلف رو به نابودی است و ...

امسال این جشنواره به تهران منتقل شده تا به گفته برگزارکنندگان تمام امکانات رسانه‌ای برای پوشش آن در اختیار قرار بگیرد.

هم اینکه ساکنان تهران و به خصوص مناطق

موسیقی



شوخ طبعی مجدانه

یادداشتی بر اجرای شب دوم کنسرت «فیه‌مافیه»

محمدرضا فیاض

فرهنگی و در هر سبکی می‌توان سراغ گرفت. تقریباً عمده ادبیات بداهه‌نوازی به همین زهره موسیقی تعلق دارد. همین‌ان که شاخص‌ترین آثار موسیقی پاپ– به خصوص آنجا که به نقش خواننده مرتبط می‌شود– را نیز باید از همین تبار به شمار آورد.

در حالی که التذاذ از موسیقی مستقل از اجراکننده اغلب اوقات در گرو چنان قدرتی در عناصر مربوط به بافت است که تنها با تکرار شنیدن و تامل در نمونه‌های ضبط شده فراهم می‌شود، از ویژگی‌های موسیقی تابع اجراکننده آن است که معمولاً اجرای زنده آن جذاب‌تر از نمونه‌های ضبط شده است. جوشش عاطفی که هسته مرکزی این نوع موسیقی است، غالباً در ضبط صوتی منجمد و رنگ‌باخته می‌شود و لاجرم ارتباط یافته با آنها تنها زمانی میسر می‌شود که ما پیشتر در همان حالت برانگیختگی ذاتی این موسیقی با آنها مرتبط شده باشیم.

موسیقی «فیه‌مافیه» را بی‌گمان باید از این نوع اخیر به شمار آورد. یازده قطعه این کنسرت عمدتاً براساس ملودی‌ها و موتیف‌های ملودیک و ریتمیک آشنایی از اینجا و آنجای دنیا پدید آمده بودند که حال با منطق سازها، امکانات فنی نوازندگان و نوع دست‌ورزی آنها قرار گرفته (در دوره اخیر در فیلم «کلاسیک» شده‌اند. یک موسیقی «کلاسیک» به معنای اخیر همواره می‌تواند مورد مراجعه مجدد قرار گرفته با برداشتی متشابه یا متفاوت مورد اجرا قرارگیرد. از این زاویه خاص رنگ شهر آشوب همان قدر کلاسیک محسوب می‌شود که چهار فصل وبولدلی.

در هر دو مورد موسیقی بیرون اجرا کننده ایستاده، وظیفه مجری است که به سوی آن گام بردارد و آن را درونی کند و در هر حال مطیع و تابع آن باشد، البته چنان تابعی که لاجرم چیزی از خود در آن به ودیعه خواهد گذارد.

اما منظور از موسیقی تابع اجراکننده آن چنان موسیقی‌ای است که نتوان برای آن حیاتی مستقل از مجری در نظر گرفت. در اینجا دیگر نه تنها فاصله‌ای

میان موسیقی و مجری وجود ندارد، که به عکس، تصور این موسیقی بدون همان اجراکننده خاص بعید به نظر می‌رسد. چه بسا آثاری که در دستان نوازنده‌ای خاص کاملاً موجه و نافذ بوده‌اند، اما با گزته‌برداری و بازسازی آن توسط دیگری، تمام توش و توان و تاثیر گذاری خود را از دست داده‌اند. چنین موسیقی‌هایی را در هر

مروراید جام به سرپرستی غلامعلی نی‌نواز و نورمحمد درپور از خراسان رضوی و ساعت ۲۰/۴۰ تا ۲۱/۱۰ گروه آشیر به سرپرستی آرمین فریدی از گیلان و گروه اسحاقی به سرپرستی محمدرضا اسحاقی از مازندران به روی صحنه می‌روند و ساعت ۲۱/۲۰ تا ۲۲ گروه قوالی پاکستانی «پتک‌آسا»، بی‌تفاوت و بی‌رحم

پرکاشن‌ها، حیرت‌زده به هر سو می‌نگرد و هر لحظه چیزی از هم گسیخته می‌نوازد و می‌کوشد پاره‌پارگی موسیقایی و عاطفی ما را با زبانی که همزمان هم مسخره است و هم اختصاص داده بود. همزمان با آلبوم، نخستین تک آهنگ موریسون با نام «تو چیزی به من می‌دهی» (You Give Me Something) به مقام پنجم جدول پرفروش‌ترین تک‌آهنگ‌های بریتانیا نیز دست‌یافته است. آلبوم Undiscovered قبل از ارائه به بازار در جدول آی تیوزن ابل با فروش ۳۰۰۰ نسخه طی دو هفته مقام اول را کسب کرده بود. شیوه کار جیمز موریسون در قالب خواننده– ترانه‌سرا است و موسیقی آلبوم در سبک موسیقی سول. صدای او را با ال‌گرین و اوتیس ردینگ مقایسه کرده‌اند.

چند ماه اخیر موریسون از حمایت قابل توجه ایستگاه‌های مختلف رادیو و شبکه ام‌تی‌وی برخوردار بوده است.

کمپانی موسیقی موریسون او را هنرمندی با استعداد معرفی کرده که ترانه‌های او الهام گرفته از گذشته‌ای سخت، زندگی دشوار خانوادگی، مقروض بودن، دوستان معناد و عشق و خوشگذرانی است. مشکلات خانوادگی باعث نقل مکان مکرر او و خانواده‌اش بوده و در این میان موریسون با موسیقی استیوئی وندر، پینک فلوید، ون موریسون و نیروانا خود را سرگرم می‌کرده است. او خود فکر نمی‌کند که زندگی مشکلی داشته و بر این باور است که تجربیاتش به او کمک می‌کند تا ترانه‌های آراسته و عینی‌تری بسراید.
ظاهر یکی از نمونه‌های کار موریسون بعد از از دست دادن کار خود– که تمیز کردن وانت‌های شهر داری (انگلستان) بود– به دست یک بی‌اند آر(A&R شخصی که در کمپانی‌های موسیقی استعدادها را کشف می‌کند) می‌رسد و او تحت تاثیر صدای موریسون قرار می‌گیرد. دیری نمی‌گذرد که موریسون با کمپانی یوولیدور قرارداد امضا می‌کند. آلبوم Undiscovered از تولیدی گران، ظریف و دقیق برخوردار است که برای رادیو و بازار موسیقی عامه‌پسند آماده و پرداخته شده است. تهیه‌کننده آن مارتین ترف است که قبلاً با کی تی تانسل کار کرده است. سبک موسیقی آلبوم در قالب موسیقی سول دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی است و سازهای آکوستیک با تنظیم متسجم ولی بدون هیجان آن را همراهی می‌کنند.

ترانه‌های موریسون هم (که همه را با همکاری ترانه‌سرایان صنعت موسیقی پاپ سروده) معمولی و قابل پیش‌بینی و فاقد خلاقیت هستند. تنها نقطه قوت آلبوم صدای موریسون است. از بسیاری لحاظ آلبوم موریسون شباهت به آلبوم‌های جاس استون دارد. صدای استون رانیز با صدای موریسون تفاوت کم ۶۰ و ۷۰ میلادی مقایسه می‌کردند و موسیقی هم نداشت که موسیقی آلبوم استون نیز در همان سبک تهیه شد.

در طول تاریخ موسیقی پاپ هرگاه خواننده سفیدپوستی دارای صدای جذابی نزدیک به خوانندگان سیاه پوست بود، او صدای کمپانی‌های بزرگ و اصلی به قدرت خلاقیت شدیدی رویه‌رو شده است. علت آن قابلیت عرضه در بازار است. معمولاً هنگامی که خواننده سفیدپوست وارد حیطه موسیقی سیاهان می‌شود بازار گسترده‌تری می‌یابد. دلیل فروش موفق این نوع خوانندگان هم قدرت تبلیغات و شیوه عرضه موسیقی آنها توسط کمپانی‌های موسیقی است. در قدرت خلاقیت آنها، خریدار موسیقی آنها در اصل همان موسیقی سول دهه‌های گذشته را همراه با روشنی نو مصرف می‌کند. بعد از موفقیت جیمز بلانت در بریتانیا و آمریکا، طبیعی است که کمپانی‌های بزرگ موسیقی برای سهم بردن از بازاری که بلانت از آن بهره برده کوشش کند. به نظر می‌رسد که کمپانی موسیقی پولیدور (Polydor) اولین کمپانی است که توانسته در موریسون خواننده – ترانه‌سرای همتراز بلانت بیابد، چون گریابی و توان خواندن موریسون چیزی از بلانت کم ندارد، البته صدای موریسون بیشتر شباهت به پل یانگ یا ترنس ترنت داریو دارد تا ال‌گرین یا اوتیس ردینگ. به عبارت دیگر صدای موریسون مانند صدای سفیدپوستانی است که در سبک موسیقی سول ترانه اجرا می‌کنند که به آن سول سفید(white soul) یا سول چشم آبی(eyed blue soul) می‌گویند. بدون شک آلبوم موریسون از فروش قابل توجهی برخوردار خواهد شد.

آلبوم Undiscovered با در نظر گرفتن بازار مخصوصی تهیه شده است، بازاری که به بازار «راک مادران» (mums rock) موسوم شده است. طبق آمار اخیر صنعت موسیقی یک چهارم کل آلبوم‌ها در سوپرمارکت‌ها به فروش می‌رسند، اشخاص بالای چهل سال بیش از اشخاص زیر سی سال خرید آلبوم موسیقی می‌کنند، زنان بالای ۴۹ سال دو برابر زیر ۲۰ ساله‌ها آلبوم می‌خرند و مادران میانسال بازار مهمی برای فروش موسیقی به حساب می‌آیند تا جایی که اخیراً آلبومی به نام «کارخانه» به بازار عرضه شده که تا به حال نیم میلیون نسخه از آن در بریتانیا به فروش رسیده است. شبکه دو رادیو بی‌بی‌سی (با داشتن ۱۳ میلیون شنونده)، رادیوی محبوب این گروه سنی به حساب می‌آید و آلبوم Undiscovered برای لیست A پخش موسیقی (شبکه‌های رادیویی دارای لیست‌هایی هستند که دفعات پخش آهنگ‌ها را در روز مشخص می‌کنند، بیشترین دفعات پخش متعلق به آهنگ‌های لیست A است) این شبکه قرار دارد. در این کار جای تاسف است که کمپانی صدای موریسون

کلیات ثقیل. از همین رو است که ارتباط ما با موسیقی از نوع «فیه‌مافیه» به گونه‌ای بی‌واسطه تحقق می‌یابد و این کار ما را آسان می‌کند: فقط به موسیقی گوش کن و اگر خوش آمد، خیلی ساده بگو: دست شما درد نکند!

فیه‌مافیه» برخلاف عنوان آن هیچ پطنی به جز ظواهر آن ندارد که در اینجا ظواهر و باطن یکی شده‌اند. برای راه بردن به اندرون آن نیازی به پس زدن لایه‌های تودرتوی تاریخ و سنت به قصد سنجش دیالکتیک گسست و پیوست نیست. «فیه‌مافیه» یکی از تجلیات روح جدید فردمحوری است که اینجا و آنجای هنر امروز ایران قابل بازشناسی است: می‌خواهم خودم باشم، بی‌دغدغه کلیات ثقیل. از همین رو است که ارتباط ما با موسیقی از نوع «فیه‌مافیه» به گونه‌ای بی‌واسطه تحقق می‌یابد و این کار ما را آسان می‌کند: فقط به موسیقی گوش کن و اگر خوش آمد، خیلی ساده بگو: دست شما درد نکند!

فیه‌مافیه» برخلاف عنوان آن هیچ پطنی به جز ظواهر آن ندارد که در اینجا ظواهر و باطن یکی شده‌اند. برای راه بردن به اندرون آن نیازی به پس زدن لایه‌های تودرتوی تاریخ و سنت به قصد سنجش دیالکتیک گسست و پیوست نیست. «فیه‌مافیه» یکی از تجلیات روح جدید فردمحوری است که اینجا و آنجای هنر امروز ایران قابل بازشناسی است: می‌خواهم خودم باشم، بی‌دغدغه کلیات ثقیل. از همین رو است که ارتباط ما با موسیقی از نوع «فیه‌مافیه» به گونه‌ای بی‌واسطه تحقق می‌یابد و این کار ما را آسان می‌کند: فقط به موسیقی گوش کن و اگر خوش آمد، خیلی ساده بگو: دست شما درد نکند!

گزارش

«کشف نشده»

پرفروش‌ترین آلبوم بریتانیا

بی‌بی‌سی : کشف نشده (Undiscovered) عنوان نخستین آلبوم جیمز موریسون (James Morrison) خواننده جوان انگلیسی است که برای دومین هفته پرفروش‌ترین آلبوم بریتانیا شد و جایگزین گروه ریزورلایت شد که برای دو هفته این مقام را به خود اختصاص داده بود. همزمان با آلبوم، نخستین تک آهنگ موریسون با نام «تو چیزی به من می‌دهی» (You Give Me Something) به مقام پنجم جدول پرفروش‌ترین تک‌آهنگ‌های بریتانیا نیز دست‌یافته است. آلبوم Undiscovered قبل از ارائه به بازار در جدول آی تیوزن ابل با فروش ۳۰۰۰ نسخه طی دو هفته مقام اول را کسب کرده بود. شیوه کار جیمز موریسون در قالب خواننده– ترانه‌سرا است و موسیقی آلبوم در سبک موسیقی سول. صدای او را با ال‌گرین و اوتیس ردینگ مقایسه کرده‌اند.

چند ماه اخیر موریسون از حمایت قابل توجه ایستگاه‌های مختلف رادیو و شبکه ام‌تی‌وی برخوردار بوده است.

کمپانی موسیقی موریسون او را هنرمندی با استعداد معرفی کرده که ترانه‌های او الهام گرفته از گذشته‌ای سخت، زندگی دشوار خانوادگی، مقروض بودن، دوستان معناد و عشق و خوشگذرانی است. مشکلات خانوادگی باعث نقل مکان مکرر او و خانواده‌اش بوده و در این میان موریسون با موسیقی استیوئی وندر، پینک فلوید، ون موریسون و نیروانا خود را سرگرم می‌کرده است. او خود فکر نمی‌کند که زندگی مشکلی داشته و بر این باور است که تجربیاتش به او کمک می‌کند تا ترانه‌های آراسته و عینی‌تری بسراید.
ظاهر یکی از نمونه‌های کار موریسون بعد از از دست دادن کار خود– که تمیز کردن وانت‌های شهر داری (انگلستان) بود– به دست یک بی‌اند آر(A&R شخصی که در کمپانی‌های موسیقی استعدادها را کشف می‌کند) می‌رسد و او تحت تاثیر صدای موریسون قرار می‌گیرد. دیری نمی‌گذرد که موریسون با کمپانی یوولیدور قرارداد امضا می‌کند. آلبوم Undiscovered از تولیدی گران، ظریف و دقیق برخوردار است که برای رادیو و بازار موسیقی عامه‌پسند آماده و پرداخته شده است. تهیه‌کننده آن مارتین ترف است که قبلاً با کی تی تانسل کار کرده است. سبک موسیقی آلبوم در قالب موسیقی سول دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی است و سازهای آکوستیک با تنظیم متسجم ولی بدون هیجان آن را همراهی می‌کنند.

ترانه‌های موریسون هم (که همه را با همکاری ترانه‌سرایان صنعت موسیقی پاپ سروده) معمولی و قابل پیش‌بینی و فاقد خلاقیت هستند. تنها نقطه قوت آلبوم صدای موریسون است. از بسیاری لحاظ آلبوم موریسون شباهت به آلبوم‌های جاس استون دارد. صدای استون رانیز با صدای موریسون تفاوت کم ۶۰ و ۷۰ میلادی است و سازهای آکوستیک با تنظیم متسجم ولی بدون هیجان آن را همراهی می‌کنند.

ترانه‌سرایان صنعت موسیقی پاپ سروده) معمولی و قابل پیش‌بینی و فاقد خلاقیت هستند. تنها نقطه قوت آلبوم صدای موریسون است. از بسیاری لحاظ آلبوم موریسون شباهت به آلبوم‌های جاس استون دارد. صدای استون رانیز با صدای موریسون تفاوت کم ۶۰ و ۷۰ میلادی مقایسه می‌کردند و موسیقی هم نداشت که موسیقی آلبوم استون نیز در همان سبک تهیه شد.

در طول تاریخ موسیقی پاپ هرگاه خواننده سفیدپوستی دارای صدای جذابی نزدیک به خوانندگان سیاه پوست بود، او صدای کمپانی‌های بزرگ و اصلی به قدرت خلاقیت شدیدی رویه‌رو شده است. علت آن قابلیت عرضه در بازار است. معمولاً هنگامی که خواننده سفیدپوست وارد حیطه موسیقی سیاهان می‌شود بازار گسترده‌تری می‌یابد. دلیل فروش موفق این نوع خوانندگان هم قدرت تبلیغات و شیوه عرضه موسیقی آنها توسط کمپانی‌های موسیقی است. در قدرت خلاقیت آنها، خریدار موسیقی آنها در اصل همان موسیقی سول دهه‌های گذشته را همراه با روشنی نو مصرف می‌کند. بعد از موفقیت جیمز بلانت در بریتانیا و آمریکا، طبیعی است که کمپانی‌های بزرگ موسیقی برای سهم بردن از بازاری که بلانت از آن بهره برده کوشش کند. به نظر می‌رسد که کمپانی موسیقی پولیدور (Polydor) اولین کمپانی است که توانسته در موریسون خواننده – ترانه‌سرای همتراز بلانت بیابد، چون گریابی و توان خواندن موریسون چیزی از بلانت کم ندارد، البته صدای موریسون بیشتر شباهت به پل یانگ یا ترنس ترنت داریو دارد تا ال‌گرین یا اوتیس ردینگ. به عبارت دیگر صدای موریسون مانند صدای سفیدپوستانی است که در سبک موسیقی سول ترانه اجرا می‌کنند که به آن سول سفید(white soul) یا سول چشم آبی(eyed blue soul) می‌گویند. بدون شک آلبوم موریسون از فروش قابل توجهی برخوردار خواهد شد.

آلبوم Undiscovered با در نظر گرفتن بازار مخصوصی تهیه شده است، بازاری که به بازار «راک مادران» (mums rock) موسوم شده است. طبق آمار اخیر صنعت موسیقی یک چهارم کل آلبوم‌ها در سوپرمارکت‌ها به فروش می‌رسند، اشخاص بالای چهل سال بیش از اشخاص زیر سی سال خرید آلبوم موسیقی می‌کنند، زنان بالای ۴۹ سال دو برابر زیر ۲۰ ساله‌ها آلبوم می‌خرند و مادران میانسال بازار مهمی برای فروش موسیقی به حساب می‌آیند تا جایی که اخیراً آلبومی به نام «کارخانه» به بازار عرضه شده که تا به حال نیم میلیون نسخه از آن در بریتانیا به فروش رسیده است. شبکه دو رادیو بی‌بی‌سی (با داشتن ۱۳ میلیون شنونده)، رادیوی محبوب این گروه سنی به حساب می‌آید و آلبوم Undiscovered برای لیست A پخش موسیقی (شبکه‌های رادیویی دارای لیست‌هایی هستند که دفعات پخش آهنگ‌ها را در روز مشخص می‌کنند، بیشترین دفعات پخش متعلق به آهنگ‌های لیست A است) این شبکه قرار دارد. در این کار جای تاسف است که کمپانی صدای موریسون

کلیات ثقیل. از همین رو است که ارتباط ما با موسیقی از نوع «فیه‌مافیه» به گونه‌ای بی‌واسطه تحقق می‌یابد و این کار ما را آسان می‌کند: فقط به موسیقی گوش کن و اگر خوش آمد، خیلی ساده بگو: دست شما درد نکند!

فیه‌مافیه» برخلاف عنوان آن هیچ پطنی به جز ظواهر آن ندارد که در اینجا ظواهر و باطن یکی شده‌اند. برای راه بردن به اندرون آن نیازی به پس زدن لایه‌های تودرتوی تاریخ و سنت به قصد سنجش دیالکتیک گسست و پیوست نیست. «فیه‌مافیه» یکی از تجلیات روح جدید فردمحوری است که اینجا و آنجای هنر امروز ایران قابل بازشناسی است: می‌خواهم خودم باشم، بی‌دغدغه کلیات ثقیل. از همین رو است که ارتباط ما با موسیقی از نوع «فیه‌مافیه» به گونه‌ای بی‌واسطه تحقق می‌یابد و این کار ما را آسان می‌کند: فقط به موسیقی گوش کن و اگر خوش آمد، خیلی ساده بگو: دست شما درد نکند!



گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل

گروه مارگریو در همواره سبک‌تر از ویولنسل